

پرسش ۸۷: جز نبی یا وصی در جفر نگاه نمی کند

السؤال ۸۷: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

لقد أجبتم في سؤال لي؛ بأنّ الجفر لم ينظر فيه إلاّ نبي أو وصي من خلال حديث لمولانا الإمام موسى بن جعفر (عليهما السلام). وإنّ مفاتيحه هو خلافة الله عز وجل، والأبيض منه هو التقيّة، والأحمر منه هو الدم والقتل.

سؤال: هل كل الأنبياء والأوصياء (ع) مشمولين في الحديث الشريف أم لا ؟

سؤال: هل هذا الحديث يدل على التقييد والحصر في النظر للجفر ؟

سؤال: هل هذا الحديث يشير لعدم النظر في الجفر من قبل أشخاص خارج دائرة الأنبياء والأوصياء(ع) ؟ فإذا كان الجواب بالنفي فمن هم هؤلاء الأشخاص ؟ مؤهلاتهم ؟ صفاتهم ؟ أين وكيف نظروا للجفر ؟

إنّ القرآن الكريم لا يمسه إلاّ المطهرون. فهل هذا ينطبق على الجفر ؟ علماً بأنّ الجفر ليس مثل كتاب القرآن الكريم ؟

أرجو الإجابة. وتحية طيبة لشخص أحمد الحسن ولأخوته والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. لا ضير من أن تكون لنا أدوار متنوعة طالما هدفنا واحد هو العمل في خدمة مولانا الإمام المهدي (عج) والتمهيد لظهوره ونصرته. جزاكم الله خير جزاء المحسنين.

المرسل: هاشم العراقي

سلام عليكم ورحمت الله وبركاته

پیش تر به یک سؤال من پاسخ دادید، با این مضمون که با توجه به حدیث امام موسی کاظم(ع) کسی جز نبی یا وصی در جفر نمی نگردد و کلیدهایش خلافت خداوند عزوجل می باشد و جفر سفید تقیّه و جفر سرخ خون و کشتار است.

سؤال ۱: آیا تمام انبیا و اوصیا(ع) مشمول این حدیث شریف هستند یا خیر؟

سؤال ۲: آیا این حدیث دلالت بر مقید بودن و وجود انحصار در نگاه کردن در جفر است؟

سؤال ۳: آیا این حدیث اشاره می‌نماید که افراد خارج از دایره‌ی انبیا و اوصیا نمی‌توانند در جفر نظر بیفکنند؟ اگر پاسخ منفی باشد این اشخاص چه کسانی هستند و صفات و خصوصیات آنها چیست و چگونه در جفر نظر می‌کنند؟

قرآن کریم را «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (جز پاکان آن را لمس نمی‌کنند)؛ آیا این آیه بر جفر منطبق است؟ با توجه به اینکه که جفر مانند قرآن کریم نیست؟

امیدوارم پاسخ دهید. درود پاک برای شخص احمد الحسن و برادرانش والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. بی‌شک دوران‌های متنوعی خواهیم داشت؛ مادام که هدف‌مان یکی است یعنی خدمت به مولایمان امام مهدی (ع) و زمینه‌سازی برای ظهور و یاری ایشان. خداوند به شما برترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید!

فرستنده: هاشم عراقی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

ج ۱: كل مُرسَل لا بد أن يعرف كل ما تحتاجه الأمة التي أرسل إليها من الأحكام وهي موجودة في الجفر.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

جواب سوال ۱: هر فرستاده‌ای باید احکام مورد نیاز امتی که به سویس فرستاده شده است را بداند؛ این احکام در جفر موجود می‌باشد.

ج ۲: النظر إلى كل ما تحتاجه الأمة من العلم الموجود في الجفر محصور بالمرسل إليها من الأنبياء والأوصياء.

جواب سوال ۲: نگاه کردم به هر آنچه از علمی که در جفر وجود دارد و مورد نیاز امتی است که به سویشان ارسال انجام شده، مخصوص و منحصر به نبی یا وصی فرستاده شده‌ی به سویشان می‌باشد.

ج ۳: یوجد أشخاص یمكن أن یطلعهم الله علی شیء مما فی الجفر والجفر من بركة السماء النازلة، قال تعالی: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) [312]، وفي الآية وصفهم.

جواب سوال ۳: بعضی از افراد این امکان را پیدا می‌کنند تا خداوند به گوشه‌ای از آنچه در جفر وجود دارد، آنها را مطلع سازد. خداوند متعال می‌فرماید: « اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکاتی از آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، ولی (فرستادگان) را تکذیب کردند؛ ما نیز به کیفر کردارشان مؤاخذه‌شان کردیم » [313]. این آیه در وصف آنها آمده است.

ج ۴: المس فی الآية المذكورة: (لا یمسُّهٗ اِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ) [314] یعنی المعرفة.

جواب سوال ۴: «لمس کردن» در این آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» [315] یعنی شناخت و معرفت.

فكل ما تحتاج إليه الأمة لا يعرفه (لا یمسُّهٗ) إلا المرسلون إليها (المُطَهَّرُونَ) [316].

پس هر آنچه امت به آن احتیاج دارند را کسی جز فرستاده‌شدگان به سویشان (المُطَهَّرُونَ) نمی‌دانند (لَا يَمَسُّهُ) [317].



[312] - الأعراف: 96.

[313] - اعراف: 96.

[314] - الواقعة: 79.

[315] - واقعه: 79.

[316] - وقد وردت روايات بهذا المعنى منها ما ورد في محاجة ابن عباس مع معاوية في فضل آل محمد (ع): (... يا معاوية، إن عمر بن الخطاب أرسلني في إمرته إلى علي بن أبي طالب (ع) إني أريد أن أكتب القرآن في مصحف فابعث إلينا ما كتبت من القرآن فقال: تضرب والله عنقي قبل أن تصل إليه. قلت: ولم؟ قال: إن الله يقول: (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) يعني لا يناله كله إلا المطهرون إيانا نحن عنى الذين أذهب الله عنا الرجس وطهرنا تطهيراً، وقال: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) فنحن الذين اصطفانا الله من عباده ونحن صفوة الله ولنا ضرب الأمثال وعلينا نزل الوحي. فغضب عمر وقال: إن ابن أبي طالب يحسب أنه ليس عند أحد علم غيره فمن كان يقرأ من القرآن شيئاً فليأتنا به. فكان إذا جاء رجل بقرآن يقرؤه ومعه آخر كتبه وإلا لم يكتبه. فمن قال يا معاوية: انه ضاع من القرآن شيء فقد كذب هو عند أهله مجموع بحار الأنوار: ج 33 ص 270.

وفي رواية قال الإمام علي (ع) لعمر: (هيهات ليس إلى ذلك سبيل، إنما جئت به إلى أبي بكر لتقوم الحجة عليكم، ولا تقولوا يوم القيامة: إنا كنا عن هذا غافلين، أو تقولوا: ما جئنا به، إن القرآن الذي عندي لا يمسه إلا المطهرون والأوصياء من ولدي، قال عمر: فهل لإظهاره وقت معلوم. فقال: نعم إذا قام القائم من ولدي يظهره ويحمل الناس عليه، فتجري السنة به، صلوات الله عليه) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) للشيخ علي الكوراني العاملي: ج 3 ص 126. (المعلق).

[317] - روایاتی در این مضمون روایت شده است؛ از جمله آنچه در محاجه‌ی ابن عباس با معاویه در فضل آل محمد (ع) روایت شده است: «... ای معاویه! در زمان خلافت عمر بن خطاب، عمر مرا نزد علی بن ابی طالب (ع) فرستاد که: من می‌خواهم قرآن را جمع‌آوری و ثبت کنم، پس هر آنچه از قرآن نوشته‌ای برایم بفرست. علی (ع) فرمود: «به خدا سوگند اگر گردنم زده شود این کار را انجام نخواهم داد». گفتیم: «برای چه؟!» فرمود: «خداوند می‌فرماید: (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) یعنی کسی جز پاک‌شدگان نمی‌تواند به هم‌هی آن دسترسی داشته باشد و منظور، ما هستیم؛ کسانی که خداوند از هر پلیدی به دورشان داشته و کاملاً پاکیزه‌شان داشته است و می‌فرماید: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (سپس کتاب را به بندگان برگزیده‌مان به میراث دادیم)؛ ما همان کسانی هستیم که خداوند از میان بندگان برگزید، ما برگزیدگان خداییم و برای ما مثال‌ها زده و بر ما وحی نازل شده است». عمر خشمگین شد و گفت: ابن ابی طالب فکر می‌کند علم نزد کس دیگر غیر از او نیست؟! پس هر کس از قرآن چیزی قرائت می‌کند برای ما بیاورد. اگر کسی چیزی از قرآن می‌خواند و کس دیگری هم تأیید می‌کند، آن را بنویسید و گرنه، ننویسید. ابن عباس گفت: ای معاویه، اگر کسی بگوید بخشی از قرآن مفقود شده است، دروغ می‌گوید، تمام آن نزد اهلش می‌باشد...». بحار الانوار: ج 33 ص 270.

در روایتی، امام علی (ع) به عمر فرمود: «هرگز به آن دست نخواهید یافت؛ من آن را نزد ابو بکر آوردم تا صرفاً حجت بر شما تمام باشد و روز قیامت نگویید ما از آن غافل بودیم یا بگویید آن را برای ما نیاوردی. به قرآنی که نزد من است کسی جز پاکیزگان دست نمی‌یازد و آنها، اوصیا از فرزندانم می‌باشند». عمر گفت: آیا برای اظهار و رؤیت آن وقت معلومی است؟ امام علی (ع) فرمود: «آری، هنگامی که قائم از فرزندان من قیام کند، آن را ظاهر خواهد نمود و مردم را مطیع آن می‌کند و سنت رسول خدا (ص) را جاری خواهد ساخت». معجم احادیث امام مهدی (ع) شیخ علی کورانی عاملی: ج 3 ص 126.